

# جامعه پذیری بزهکاری نوجوانان در تهران



## مقدمه

شخصیت محصول کلیه مناسبات اجتماعی است و از آن جا که بنا به گفته اتوکلاين برگی هیچکس از مادر مجرم متولد نمی شود، تنها در صورتی که این مناسبات فاقد خصالت همخوانی باشند تاگزیر شخصیت را نیز به سوی انحراف سوق می دهند. به عنوان مثال در بین کلیه نهادهای اجتماعی، نهاد خانواده در تربیت شخصیت از نقش محوری برخوردار است و هیچ جامعه سالمی بدون تصور خانواده‌های سالم ممکن نیست. به علاوه مدرسه و همسالان نیز از دیگر عوامل هستند که در بار آوردن همونا یا ناهمناوی شخصیت افراد جامعه نقش به سزاییفا می نمایند. از همین لحاظ است که بروز اختلال در کارکردهای جامعه پذیرانه این کارگزاران می تواند موجب ناهمناوی را خصوصاً در میان نوجوانان به عنوان نسل آتی هر جامعه ای فراهم می آورد. بدینسان در نوشتار حاضر سعی می شود اختلالات کارکردی خانواده، مدرسه و گروه همسالان و تاثیر آن بر تکوین بزهکاری در میان نوجوانان تهرانی مورد بررسی قرار گیرد.

این پدیده یاری می رسانند. به عنوان نمونه بروز تحولات ساخت بین المللی معاصر و اثرات بحران زای این فرایند، کشورهای خصوصاً جهان سومی را در عصر گذار اجتماعی از مرحله سنتی به نوین با مضللاتی آسیب شناختی مواجه کرده که مهم ترین آنها شامل پیدایی و شیوع اعمال بزهکارانه در میان نوجوانان به واسطه تغییرات نابسامان و متعارض کارکردهای کارگزاران جامعه پذیری نخستین می باشد.

تحت این شرایط، بزه، هر گونه اقدام قانون شکنانه را تداعی می کند که در عین ارضای بزهکار، از پسند جامعه دور می افتد و احتمال مجازات این عمل ضد اجتماعی را می افزاید؛ زیرا نفی مقررات توسط بزهکار یا احتمال اختلال در نظم اجتماعی همراه می نماید. از این نگره، وقوع بزه تنها با عوامل جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل تبیین نیست و بلکه از شرایط جامعه نشات می گیرد. از مهم ترین این عوامل نیز می توان به نقصان کارکردهای تربیتی کارگزاران جامعه پذیری نخستین نظیر خانواده و مدرسه و گروه همسالان بر روی نوجوانان اشاره داشت که خود تحت تاثیر تحولات ساختی جامعه عمل کرده و با تاثیر بر تمایلات شخصیتی افراد امکان تبلور بزه را می آفرینند.

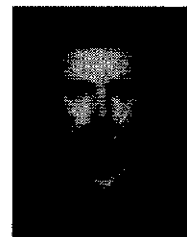
در این میان مهم ترین عوامل جامعه پذیری خصوصاً در مراحل اولیه آن شامل خانواده و مدرسه و گروه همسالان می باشد. در زمینه عامل نخست

نیز به نظارت گروه دوستان نوجوان با تاکید بر ویژگی های تربیتی آنان ارجاع می یابد.

شناسایی عوامل اجتماعی موثر بر بزهکاری نوجوانان با هدف آرایه راهکارهایی به منظور پیشگیری و کنترل بروز این پدیده صورت می گیرد. از این طریق والدین، دست اندرکاران آموزش و پرورش، وسایل ارتباطات جمعی، نیروهای انتظامی و سازمان زندان ها و دستگاه های قضایی بیش از پیش به حساسیت نقش خویش واقف گردیده و رویکرد جامع تری در مقابله با بزهکاری نوجوانان بر می گزینند.

## طرح مساله

همپایی قدمت تاریخ بزه با تاریخ جامعه انسانی مبین آن است که بزه محصول جامعه بوده و این روابط، مناسبات، تعاملات، نهادها و ساخت های اجتماعی هستند که فرد را به بزهکاری سوق می دهند. در این میان کارگزاران جامعه پذیری نخستین یعنی خانواده، مدرسه و گروه همسالان به واسطه ایجاد زمینه هویت یابی و نظارت اجتماعی در قالب مفهوم خود نقشی قاطع در شکل گیری پدیده جرم و علل و انگیزه های بزهکاری خصوصاً در میان نوجوانان ایفا می کنند و ضمناً به اتکای گرایش های ذهنی مجرمان از تفسیر واکنش های متقابل دیگران و نیز از طریق شرایط ساخت جامعه ملی و بین المللی در حیطه های استقرار انسانی به تسریع و تشدید بروز



♦ دکتر عباس محمدی اصل

شناسایی مناسبات میان اختلالات کارکردی خانواده، مدرسه و گروه همسالان به عنوان کارگزاران جامعه پذیری نخستین با بروز بزهکاری در میان نوجوانان تهرانی به منظور تامل در نوع و میزان تاثیر این گونه از مناسبات صورت می گیرد تا در این پرتو امکان اصلاح چنین کارکردهایی برای برنامه ریزان و دست اندرکاران امور فرهنگی جامعه فراهم آید.

از مهم ترین این اختلالات می توان به اختلالات نظارتی اشاره داشت. به عنوان مثال نظارت خانوادگی شامل پارامترهایی است که بدان وسیله خانواده به صورت آشکار و پنهان در درازمدت یا کوتاه مدت، الگوهای رفتاری خاصی را بر اعضایش اعمال می نماید و دو بعد مثبت و منفی می یابد. بعد مثبت این نظارت شامل کارکرد انتقال میراث اجتماعی از طریق طبقه خانواده به نوجوان است و وجه منفی آن ناشی از نابسامانی خانواده می باشد. از سوی دیگر نظارت تحصیلی به نظارت تربیتی محیط مدرسه بر رفتار نوجوان ناظر است و بالاخره نظارت همسالان

کولی تاکید می‌ورزد "خانواده که یک گروه نخستین است اولین گروه اجتماعی مهم در رشد آتی کودک می‌باشد. از آن جا که ارضا میل گرسنگی او و حیات او وابسته به این واحد اجتماعی است محتمل است که طرز تلقی و عقاید موجود در محیط خانواده خود را بپذیرد و از والدین خود تقلید کند. پدر و مادر در برابر کودک قدرت کامل دارند و رفتار کودک به طور نامحدود در زیر تسلط آنان قرار دارد." (ژاکلین رودلفه ۱۱۸: ۲۵۳۵) بنابراین کودک می‌آموزد جامعه را از دید خانواده‌اش بنگرد و خانواده به او می‌آموزد در رابطه با نقش جنسی و سنی خود و همچنین پایگاه اجتماعی خانواده خویش چه رفتاری باید داشته باشد و این قبل از آن است که کودک نقش خود را در جامعه بزرگ‌تر بشناسد و فرا گیرد. در ادامه مدرسه عوامل اضافه کننده را تامین می‌کند آن گاه کودک علاوه بر فراگیری مهارت‌های پایه که احساس استقلال و تفکر مجرد را بر می‌انگیزد، ارزش‌های جامعه بزرگ‌تر را نیز فرا خواهد گرفت.

بنابراین در حالی که مدرسه عاملی است که از یک سو مظهر جامعه سنتی می‌باشد از سوی دیگر نیز ابزاری را که به وسیله آنها نوآوری صورت می‌پذیرد فراهم می‌کند، لکن درجه نوآوری اندیشه به نوع ساخت اقتدار و روش انتقال اطلاعات بستگی دارد." (ژاکلین رودلفه ۱۲۴: ۲۵۳۵) سپس نوبت به گروه همسالان می‌رسد که فرایند جامعه‌پذیری خانواده و مدرسه را تکمیل کند. گروه همسالان به کودک فرصت می‌دهد تا جهت موقعیت خاص خود در گروه، نقش‌هایی ابداع کند. گاهی این فرصت برای رفتار ابداعی، منجر به ایجاد نظام هنجاری برای گروه می‌شود که مغایر با نظام هنجاری جامعه بزرگ‌تر است که می‌تواند واجد جنبه‌های مثبت هر دو باشد، لکن نظام هنجاری می‌تواند با جامعه بزرگ‌تر نیز سازگار باشد. وقتی گروه همسالان به انجام نیازهای عاطفی کودک کمک کرد، پایگاه عاطفی خانواده را در ذهن کودک سست می‌کند و در برابر سنن رایج جامعه که اغلب والدین مظهر آنها هستند به او استقلال فکری می‌بخشد (Olmsted, ۱۹۴۵: ۴۹).

اگر کارکردهای این کارگزاران به نحو کامل انجام گیرد، شخص به هم‌نوایی می‌رسد و در غیر این صورت ناهم‌نوایی رخ می‌دهد. بزهکاری نیز یکی از وجوه ناهم‌نوایی شخصیتی است که می‌توان آن را در پرتو اختلالات کارکردی کارگزاران جامعه‌پذیری نخستین تبیین کرد. بر این مبنا مساله عمده پژوهش حاضر آن است که آیا میان اختلالات کارکردی

کارگزاران جامعه‌پذیری نخستین و بروز بزهکاری نوجوانان تهرانی ارتباطی وجود دارد؟

### طرح فرضیه

بزهکاری نوجوانان، مساله‌ای اجتماعی است؛ زیرا "جامعه‌شناسان معمولاً مساله اجتماعی را به مانند هر گونه وضعیت متظاهری که نافی ارزش‌های تعداد چشمگیری از مردم بوده و آنها را در تغییر وضعیت مزبور همصدای نماید، تعریف می‌کنند (Rubington and Weinberg, ۱۹۷۱: ۵-۶).

در این بین دیدگاه‌های مرتبط با پدیده انحرافات رفتاری که درصددند چیستی و چرایی این پدیده‌ها را در راستای طرح راه حل‌هایی برنامه‌ای بکاوند؛ عبارتند از:

**نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی:** آسیب‌شناسی اجتماعی به شناخت ناهم‌سازی‌های ممکن الحدوث در روابط اجتماعی مربوط می‌شود و این عنوان به

جهت مشابهت ناهم‌سازی‌های جامعه و ناهم‌سازی‌های کارکردی اندام‌های بدن انتخاب گردیده است.

**نظریه بی‌سازمانی اجتماعی:** دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی، مسایل اجتماعی را محصول درهم ریختگی سازمان اجتماعی دانسته و گسیختگی جامعه بهنجار در این راستا مطرح شود. بی‌سازمانی اجتماعی وفق این فرض عبارت از "آنهاست و نابودی نفوذ قوانینی است که توسط کل جامعه تعیین و مستقر شده و حاکم بر افراد بوده‌اند (Znaniecki, ۱۹۲۷: ۶۱). برای رفع این مسایل باید حوادث سازمان زدا را از جامعه حذف کرد و لذا دیدگاه بی‌سازمانی بر قواعد و انتساب مسایل اجتماعی به تخطی از سنت و تعارض قواعد و سوء استفاده و استفاده بد از قواعد متمرکز شد.

**نظریه ستیزه‌ارزشی:** این چشم انداز ستیزه‌های تعاملی را معطوف به مسایل اجتماعی نموده و مراحل تشکیل مسایل را در مواردی چون آگاهی نسبت به مساله، سیاستگذاری اجرایی برای رفع مساله و اصلاح‌گرایی دانسته و مدعی گردیده در این سه مرحله است که ارزش‌ها و منافع گروه‌ها به ستیز می‌گیرند. به عبارت دیگر مسایل اجتماعی از یک دوره طبیعی به مرحله‌ای می‌گذرند که در مرحله اول یعنی مرحله آگاهی یک گروه موفق به جلب توجه افراد نسبت به وضعیتی می‌شود که آن را مساله تلقی می‌کند. در مرحله دوم یعنی مرحله تعیین خط‌مشی، خط‌مشی‌ها در ارتباط با مساله پایه‌ریزی شده و در مرحله اصلاح این خط‌مشی‌ها چونان راه حلی با دوام به اجرا گذارده می‌شوند. (Erikson, ۱۹۶۵: ۴۷۵).

### نظریه رفتار انحرافی:

نظریه انحراف رفتاری می‌گوید مساله اجتماعی نتیجه تخطی از هنجارهای مقبول در جامعه‌ای معین است. به این جهت نیز ادعا شده "تصویر رفتار انحرافی منحرف چونان عضوی بیگانه در جامعه... و نتیجه ضروری از هم‌گسیختگی و ناهنجاری و شاخص آنهاست درونی جامعه، تجربه مشترکی در جامعه شناسی به شمار می‌رود (Erikson, ۱۹۶۵: ۴۷۵).

### نظریه برچسب‌زنی:

از این زاویه به بدان روی که بنا به ابلاغ بکر "رفتار انحرافی رفتاری است که مردم آن را انحراف تعریف نمایند؛ (Hagan, ۱۹۸۵: ۴۶) لذا این "واکنش جامعه است که موجب بروز انحراف می‌گردد (Gibbs, ۱۹۶۱: ۴-۴۳) و این در حالی است که البته برچسب بدوا موجب رفتار انحرافی نشده؛ زیرا مردم

## ساختار بین‌المللی و آثار بحران زای این فرآیند کشورهای جهان سوم را با معضلات فراوانی روبه‌رو ساخته است



قطع نظر از این که دیگران به آنها بر چسب انحراف بزنند یا نزنند، در صورت ایجاد مصالح ویژه در شرایط زندگی شان قادرند مرتکب رفتار انحرافی شوند (Akers، ۱۹۶۸: ۴۶۳) و لذا خود فرایند بر چسب زنی حکایت از نوعی انحراف به میان می آورد. پس به موجب این دیدگاه "منحرف کسی است که بر چسب انحراف بر او زده شده است.

### نظریه انتقادی:

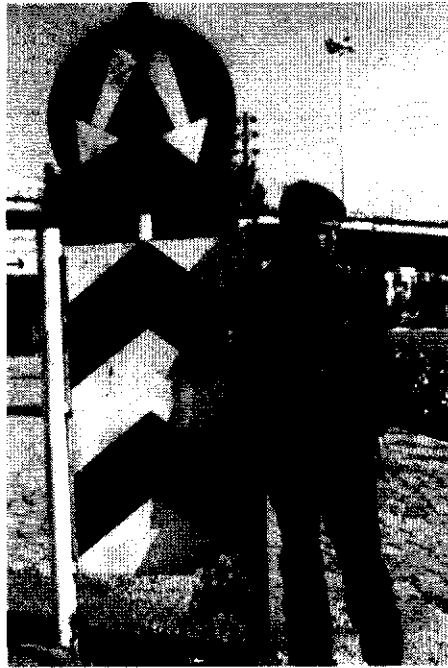
از این نگره اولاً ماتریالیسم تاریخی "علت غایی و نیروی محرکه عظیم تمام وقایع مهم تاریخ را در تحولات اقتصادی جامعه، تغییر شیوه‌های تولید و مبادله، تقسیم متوالی جامعه به طبقات متمایز و مبارزه میان این طبقات می‌داند؛ (Marx and Engels، ۱۹۲: ۱۰۲) ثانیاً در این منظر "در همان لحظه آغاز تمدن؛ تولید رفته رفته بر پایه تضادهایی چون تضاد مراتب اجتماعی، دارایی‌ها طبقات و بالاخره تضاد کار متراکم و واقعی قرار می‌گیرد: زیرا بدون تضاد پیشرفت ممکن نیست (Marx، ۱۹۶۶: ۵۳) لذا علل مسایل اجتماعی را نباید صرفاً به این دلیل که "تاریخ اجتماعی انسان‌ها چیزی نیست مگر تاریخ تکامل فردی آنها (Marx and Engels، ۱۹۶۲: ۴۴۳) در مغزهای آدمیان و در افزایش بصیرت نسبت به حقیقت و عدالت جاویدان پیگیری کرد؛ بلکه باید این علل را در تغییرات وجه تولید و مبادله جست.

### نظریه سازه گرایی:

سازه گرایی معتقد است پدیده‌هایی مانند انحرافات مقولاتی اجتماعی بوده و در متن اجتماع به تعریف وضعیت می‌انجامند و سوابق توصیفی و مبهم آنها به واقعیات بینادهنی مربوط است. در این صورت تبیین فرایند ساخت و پاسخ به تفاوت‌های مربوط به انحرافات به نسبی گرایی در توجه به واکنشی بودن جرم می‌کشد و جرم را همچون واکنش به حکم و کاربرد ضمانت و نتایج آن تحویل می‌کند؛ زیرا از این منظر تخطی از هنجارها یکی از سازه‌های اجتماعی است و در واقع همه کنش‌های خاطی از هنجارها جرم نبوده و بل افراد و حامی کنش‌های خاصی هستند که توسط دیگران اینگونه نگریسته می‌شوند.

بر مبنای استدلالاتی که گذشت اینک می‌توان فرضیاتی به شرح زیر در خصوص بروز بزهکاری نوجوانان تدوین کرد.

- احتمالاً میان نابسامانی خانوادگی، ضعف انگیزش تحصیلی والدین، تصور نوجوانان از بی‌توجهی والدین به گذران اوقات فراغت، ناراضی‌تی از محیط زندگی و بروز بزهکاری در بین نوجوانان



رابطه وجود دارد.

- احتمالاً میان احساس تبعیض آموزشی، فرصت‌های کنترل نشده در مدرسه، بی‌توجهی اولیای مدرسه در هماهنگی با والدین، فقدان روابط صمیمانه با معلمان، ناتوانی در ایفای نقش بهنجار در مدرسه، تصور از محیط تحصیلی و بروز بزهکاری در بین نوجوانان رابطه وجود دارد.

- احتمالاً میان انتخاب دوستان، علاقه به تحصیل، انگیزش تحصیلی خانواده، تشویق دوستان ناباب، ارتباط با خرده فرهنگ بزهکاری، انفعال در برابر نظرات دوستان بزرگ‌تر و بروز بزهکاری در میان نوجوانان رابطه وجود دارد.

### تعریف مفاهیم و متغیرها:

متغیر وابسته این تحقیق، بزهکاری نوجوانان و متغیرهای مستقل آن شامل نابسامانی خانوادگی، احساس تبعیض آموزشی و ارتباط با دوستان بزهکار می‌باشد. در این بین از لحاظ نظری بزهکاری یعنی "قصور، ناهماهنگی یا شکست در انجام تعهدات که نه تنها متضمن فعالیت‌های قانونی یا قانون شکنانه میشود؛ بلکه رفتارهای نامناسب گروهی را نیز تداعی می‌کند (Mann، ۱۹۹۴: ۸۴) به عبارت دیگر هر اقدام مخالف با قوانین جامعه که نقض آن از سوی ضمانت‌های اجرایی کیفر یابد، مفهوم نظری بزهکاری را تشکیل می‌دهد. از لحاظ عملیاتی بزهکاری با شاخص‌هایی چون ارتکاب سرقت، دعوا و قتل سهوی، انحرافات جنسی، همکاری با قاچاقچیان مواد مخدر، استفاده از مسکرات و مواد

تخدیری و نیز خرابکاری سنجیده می‌شود. به علاوه، اگر خانواده را به لحاظ نظری به "فضای اعمال الگوهای رفتاری خاص بر اعضا به صورت آشکار و پنهان در ابعاد دراز مدت و کوتاه مدت و مقطعی یا فاصله دار و زمانی تعبیر کنیم؛ (Mann، ۱۹۹۴: ۱۲۶) در این صورت خانواده به حوزه تبدیل نظارت بیرونی و کنترل جامعه پذیرانه درونی مبدل خواهد شد. از لحاظ عملیاتی بررسی بسامانی و بی سامانی خانوادگی در ابعاد نظارت مثبت (وضعیت طبقه خانوادگی بزهکار از حیث تحصیلات و شغل و درآمد پدر و مادر) و منفی (وضعیت زندگی مشترک والدین بزهکار، فرار از خانه و عدم همدلی خانوادگی) جستجو می‌گردد. متغیر احساس تبعیض آموزشی نیز در عرصه مدرسه به "سردی فضای محیط تحصیلی فرد ارجاع دارد (Mann، ۱۹۹۴: ۱۰۵) که از لحاظ عملیاتی نیز با معضلات روابط معلمان و دانش آموزان بزهکار از حیث میزان مردودی، تلقی از تحصیل، مشارکت پذیری تحصیلی و ترک تحصیل عملیاتی می‌گردد. بالاخره آخرین متغیر مستقل مهم در این عرصه ارتباط بزهکار با گروه همسالان است. از لحاظ نظری گروه همسالان "مجموعه دوستان هم سن و سال و تقریباً در یک رده طبقاتی و سکونت هستند که قاعدتاً به تقلید از الگوهای رفتاری متقابل می‌پردازند (Mann، ۱۹۹۴: ۲۸۲) (بدینسان آنچه از لحاظ نظری در مفهوم گروه همسالان ارزش می‌یابد انتقال کمی و کیفی الگوهای رفتاری از دوستان به افراد بزهکار می‌باشد که چنین مفهومی نیز با شاخص‌هایی چون میزان مطلوبیت ویژگی دوستان بزهکار، شناخت خانواده از دوستان او و کنترل فرصت‌های بیرون از خانه و مدرسه توسط خانواده قابل ارزیابی می‌باشد).

جامعه آماری: از تعداد کل ۱۸۸ نفر بزهکار زیر ۱۸ سال کانون اصلاح و تربیت تهران، تعداد ۱۰۰ نفر که مجرم شناخته شده و حداقل سه کلاس درس خوانده بودند به صورت تمام شماری مورد بررسی قرار گرفتند.

روش گرد آوری و تحلیل داده‌ها: در این پژوهش از روش پرسشنامه حضوری استفاده شده است و با نرم افزار SPSS نسبت به تحلیل آنها اقدام گردیده است.

### مهم ترین یافته‌ها

شواهدی تجربی در زمینه مقایسه توزیع بزهکاران و هم‌نویان بر حسب سن به شرح ذیل است:

مقایسه بزهکاران و همنوایان بر حسب سن

همنوا		بزهکار			بزهکاری سال تولد	
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	درصد تجمعی	درصد		فراوانی
۱۶	۱۶	۱۶	۱۰	۱۰	۱۰	۱۳۶۸ (۱۳ ساله)
۴۸	۳۲	۳۲	۴۶	۳۶	۳۶	۱۳۶۷ (۱۴ ساله)
۷۶	۲۸	۲۸	۵۹	۱۲	۱۲	۱۳۶۶ (۱۵ ساله)
۹۲	۱۶	۱۶	۷۶	۱۷	۱۷	۱۳۶۵ (۱۶ ساله)
۱۰۰	۸	۸	۹۳	۱۷	۱۷	۱۳۶۴ (۱۷ ساله)
۰	۰	۰	۱۰۰	۷	۷	۱۳۶۲ (۱۸ ساله)

این شواهد حاکی از آن است که از بین ۱۰۰ نفر مددجوی برگزیده، بیشترین تعداد بزهکاران (۳۶ نفر) در سن ۱۴ سالگی قرار دارند و از بین ۱۰۰ نفر دانش آموز برگزیده، بیشترین تعداد همنوایان (۳۲ نفر) نیز در همین سن قرار دارند. این در حالی است که کمترین تعداد بزهکاران (۷ نفر) در سن ۱۸ سالگی بوده و کمترین تعداد همنوایان (۹ نفر) در سن ۱۷ سالگی بسر می‌برند.  
همچنین شواهد تجربی در زمینه مقایسه توزیع بزهکاران و همنوایان بر حسب محل سکونت قبلی به شرح ذیل است:

مقایسه بزهکاران و همنوایان بر حسب محل سکونت قبلی

همنوا		بزهکار			بزهکاری محل سکونت قبلی	
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	درصد تجمعی	درصد		فراوانی
۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	روستا
۲۴	۱۲	۱۲	۴۲	۳۰	۳۰	بخش
۵۲	۲۸	۲۸	۹۴	۵۲	۵۲	شهرستان
۱۰۰	۴۸	۴۸	۱۰۰	۶	۶	شهر

این شواهد حاکی است که بیشترین تعداد بزهکاران و همنوایان (۵۲ و ۹۴ نفر) غیر تهرانی هستند.  
همچنین شواهد تجربی در زمینه مقایسه توزیع بزهکاران و همنوایان بر حسب میزان تحصیلات به شرح ذیل است:

مقایسه بزهکاران و همنوایان بر حسب میزان تحصیلات

همنوا		بزهکار			بزهکاری میزان تحصیلات	
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	درصد تجمعی	درصد		فراوانی
۲۸	۲۸	۲۸	۴۰	۴۰	۴۰	اول راهنمایی
۸۸	۶۰	۶۰	۷۶	۳۶	۳۶	دوم راهنمایی
۱۰۰	۱۲	۱۲	۱۰۰	۲۴	۲۴	سوم راهنمایی

این شواهد حاکی از آن است که بیشترین تعداد بزهکاران و همنوایان (۴۰ و ۶۰ نفر) دارای تحصیلات اول و دوم راهنمایی و کمترین تعداد آنها دارای تحصیلات سوم راهنمایی بوده‌اند.